

سرمایه شناور در مشارکت ابزاری نو در بانکداری اسلامی*

جناب آقای دکتر سیدحسین مهدوی نجم آبادی
جناب آقای محمود بهمنی
اعضاء هیأت علمی مؤسسه عالی بانکداری ایران

مقدمه

بانکداری اسلامی، به رغم مدت کوتاهی که از عمر آن می‌گذرد و به رغم پیشرفت‌های چشم‌گیری که در پهنه پنهاور فرهنگ بانکداری در جهان داشته است، هنوز با کمبودهای زیادی در راه تکامل خود در زمینه ارائه خدمات نوین بانکی مواجه می‌باشد. این کمبودها در محدوده ابزارهای تجهیز و مصرف منابع مالی بیشتر احساس می‌شود. از این رو، هر کوششی که در جهت نوآوری ابزارهایی که کمک به برطرف کردن این کمبودها بشود، صورت پذیرد، اقدامی بسیار موجه خواهد بود.

در هر صورت، نوآوری در این پهنه فرهنگی مستلزم شناخت عمیق از مبانی بانکداری، مبانی علوم مدیریت مالی (Finance) و اقتصاد و بالاخص شناخت (حداقل) اجمالی از فرهنگ غنی و رفتارهای اسلامی در زمینه معاملات و قراردادهای اسلامی است. بویژه طراحی ابزار تجهیز یا مصرف منابع مستلزم شناخت ویژگی‌های چند جانبه ابزار مطلوب اسلامی است. مطلوبیت ابزار نیز به نوبه خود ضمن داشتن طبیعت اعتباری، توان بکاربری فراگیر، مدت انعطاف‌پذیر، سرمایه انعطاف‌پذیر، ویژگی نرخ سود انعطاف‌پذیر، و همچنین مهمتر از همه قابلیت پذیرش آن از دیدگاه اسلامی برای کاربرد در نظام بانکداری اسلامی** خلاصه می‌شود. در این مقاله سعی خواهد شد تا ابزاری که واجد ویژگی‌های ابزار مطلوب را داشته باشد طراحی

* - تقدیم به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بنیانگذار و مروج فرهنگ بانکداری اسلامی نوین و نظام یافته در جهان.

** - نظراتی که در این مقاله ارائه شده است، نتیجه تحقیقات شخصی نویسندگان بوده و نظرات رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و یا نظرات فقهی شخص خاصی را منعکس نمی‌کند.

شود تا بتواند نیازهای مقطعی و عمدتاً فوری و اضطراری واحدهای اقتصادی، از جمله نارسائی اعتبار در حساب جاری برای آنها را، در نظام بانکداری اسلامی، برطرف کند.

طرح نارسائی و کلیات موضوع

از بدو پایه‌گذاری بانکداری اسلامی، همواره تأمین نیازهای مقطعی و فوری و اضطراری واحدهای اقتصادی بصورت یک نارسایی مطرح و تاکنون راه حل مناسبی برای آن ارائه نگردیده است.

براساس موازین بانکداری غیراسلامی یکی از شیوهایی که می‌توان به‌وسیله آن این قبیل نیازها را تأمین نمود، اصطلاحاً شیوه اعتبار در حساب جاری می‌باشد. براساس این شیوه، منابع مالی مورد نیاز واحد اقتصادی، از طریق حساب جاری (بدهکار نمودن حساب جاری واحد اقتصادی) تأمین می‌گردد. براساس ضوابط فعلی بانکداری اسلامی، تأمین منابع یا در واقع اعطای تسهیلات اعتباری بدین صورت، فقط از طریق عقد «قرض» امکان‌پذیر به‌نظر می‌رسد که براساس موازین اسلامی، تأمین منابع بصورت «قرض» باید بصورت «حسنه» باشد. در نتیجه نمی‌توان و نباید سودی روی این گونه اعتبارات اخذ نمود.

طبعاً، تأمین نیازهای مالی واحدهای اقتصادی توانمند بدین صورت نه منطق اقتصادی دارد و نه امکان‌پذیر بنظر می‌رسد. زیرا، بکارگیری بخش عمده‌ای از منابع پس‌انداز جامعه بصورت «قرض الحسنه» موجد منافع بی‌منطق برای گیرنده تسهیلات اعتباری و موجب متضرر شدن بی‌منطق تأمین‌کننده منابع مالی می‌شود. تنها به همین دو دلیل اساسی، هیچگاه چنین اندیشه‌ای نتوانسته جامه عمل بپوشد. در این مقاله اهتمام لازم بکار خواهد رفت تا راه حل ریشه‌ای برای نارسائی مزبور بنحوی ارائه گردد تا شیوه عمل هم منطق اقتصادی و عقلانی داشته و هم با موازین اسلامی تعارض نداشته و بالاخره از لحاظ ضوابط پذیرفته‌شده بانکی نیز قابل قبول باشد.

بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که نارسائی مطرح شده ابعادی فراتر از تنها نارسائی اعتبار در حساب جاری دارد. زیرا، عموماً اعتبار در حساب جاری موارد کمبودهای مربوط به نقدینگی فوری نظیر تأمین منابع مالی لازم برای پرداخت به‌موقع تعهدات، تأمین به‌موقع منابع مالی لازم برای خریدهای ضروری بعضاً دستمزد و حقوق و پاره‌ای از موارد دیگر را در بر می‌گیرد. این قبیل نیازها، در صورت عدم تأمین بمواقع، می‌تواند مشکل آفرین شود. در عین حال، همه این نیازها طبیعتی گوناگون دارند که جزء از طریق تأمین وجه نقد، نمی‌توان مشکل را حل کرد و توسل به شیوه‌های دیگر اعتباری برای حل برطرف کردن نیازهای مزبور امکان‌پذیر به‌نظر

نمی‌رسد.

نکته دیگری که ابعاد موضوع را وسیعتر می‌کند، وجود منابع مازاد مقطعی واحد اقتصادی است که در بسیاری مواقع بلا استفاده می‌ماند. که از دیدگاه اقتصادی نگهداری چنین منابع مازادی نه تنها به مصلحت واحد مزبور نمی‌باشد، بلکه به سادگی نیز از طریق ابزارهای سپرده‌ای یا ابزارهای تسهیلات اعتباری موجود قابل جذب به نظر نمی‌رسد. از همین رو، چنانچه ابزار طراحی شده جدید بتواند ضمن تأمین نیازهای مالی مقطعی و اضطراری واحدهای اقتصادی، منابع مازاد مقطعی واحدهای مذکور را نیز جذب نماید مطلوبیت آن بیشتر خواهد شد.

با توجه به مراتب فوق، محدوده مقاله از سه فصل بشرح زیر تشکیل می‌شود. فصل اول رفتار و شرایط «متعارف» برای اعطای تسهیلات بانکی برای تأمین مالی نیازهای «متعارف» مورد بحث و تحلیل قرار خواهد گرفت. فصل دوم شرایط و رفتار برای تأمین نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف» مورد مذاقه و بررسی واقع خواهد شد. سرانجام، فصل سوم به ارائه روش و ابزار جدید برای برطرف کردن نارسائی موضوع مقاله خواهد پرداخت.

فصل اول

تشریح شرایط و رفتار «متعارف» در اعطای تسهیلات بانکی «متعارف»

اصولاً، مجموعه نیازهای مالی واحدهای اقتصادی که می‌تواند توسط بانکها تأمین شود، به دو گروه کلی نیازهای عادی و «متعارف» و نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف» دسته‌بندی می‌شود. این گروه‌بندی بیشتر از این جهت اهمیت دارد که با تقسیم‌بندی نیازهای مالی واحدهای اقتصادی، شناخت بیشتری از ماهیت این نیازها حاصل خواهد شد. طبعاً با این شناخت، روش تأمین مالی لازم برای تهیه و تدارک هر دسته از نیازها با سهولت بیشتری قابل ارائه خواهد بود.

گروه اول - نیازهای عادی و «متعارف»

تعریف: نیازهای عادی و «متعارف» در هر واحد اقتصادی، عموماً به آن دسته از نیازها اطلاق می‌شود که در اثر برنامه‌ریزی‌ها و پیشین‌های قبلی واحدهای اقتصادی مشخص می‌گردد. در واقع نیازهای عادی و «متعارف» شامل کلیه مصارف عادی و «متعارف» بترتیبی که در ترازنامه واحدهای اقتصادی منعکس می‌باشد، می‌شود. نظر به اینکه این قبیل مصارف یا در واقع این قبیل نیازها در مقاطع معین و پیش‌بینی شده بروز خواهند کرد، در فرصت مناسب و در اسرع وقت و طبق برنامه‌ریزی قبلی، تأمین مالی خواهند شد. به عبارت دیگر، واحدهای اقتصادی با

داشتن فرصت کافی و لازم نسبت به تأمین مالی این قبیل نیازها مبادرت خواهند کرد .
در عین حال یادآوری می‌شود که نیازهای عادی و «متعارف» هر واحد اقتصادی شامل دو دسته کلی سرمایه‌گذاری ثابت و سرمایه در گردش می‌گردد .

مصادیق نیازهای عادی و «متعارف»

نگاهی گذرا به ترازنامه هر واحد اقتصادی، به روشنی انواع این قبیل نیازها را بشرح ذیل مشخص می‌کند:

مصارف	ترازنامه فرضی واحد اقتصادی	منابع
نقد	xx	
سرمایه در گردش	xx	
بدهکاران	xx	
مواد	xx	سایر منابع xx
ماشین آلات	xx	
تأسیسات	xx	
سرمایه‌گذاری ثابت	xx	
ساختمان	xx	سرمایه xx
زمین	xx	
سایر	xx	
جمع	xxxx	جمع xxx
	=====	=====

بطوریکه ملاحظه می‌شود، مصادیق نیازهای عادی و «متعارف» و یا در واقع مصارف عادی و «متعارف» هر واحد اقتصادی از وجه نقد، بدهکاران، مواد، ماشین آلات، تأسیسات و امثال آن تشکیل می‌گردد . طبعاً برای تهیه و تدارک هر یک از این نیازها یا مصارف باید منابع مالی لازم به نحو مناسب و مطلوب فراهم گردد . نحوه تأمین منابع مورد نیاز برای تهیه و تدارک این نیازها، توسط نظام بانکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است . البته باید اذعان داشت که رفتار در نظام بانکی سنتی با رفتار در نظام بانکی اسلامی در مورد تأمین منابع مالی برای پوشش نیازهای مزبور کاملاً متفاوت می‌باشد . بدیهی است، سعی در شناخت این رفتارها یا در واقع روش‌های تأمین منابع در هر یک از دو نظام بطور اجمال، کمک به ارائه طریق برای برطرف کردن

نارسائی موضوع مقاله می‌کند. مع‌الوصف، قبل از بحث و تحلیل در این زمینه، ضرورت دارد ویژگی‌های نیازهای عادی و «متعارف» قبلاً تبیین شده و سپس به ارائه روش برای تأمین منابع مالی به‌منظور تهیه و تدارک این قبیل نیازها مبادرت گردد.

ویژگی‌های نیازهای عادی و «متعارف»

همانطوری که در بخش مصادیق ذکر شد، این قبیل نیازها عموماً موارد معین نظیر مواد، ماشین آلات، تأسیسات و ساختمان و ... را شامل می‌شود. نظر به اینکه همه این نیازها قابلیت این را دارند که موضوع معاملات تجاری قرارگیرند (Trade Base)، لذا، اغلب آنها می‌توانند پایه تسهیلات بانکی در بانکداری اسلامی قرارگیرند. به‌عبارت دیگر، با موضوع خرید و فروش قرارگرفتن (یا بطور کلی نقل و انتقال مالکیت) این قبیل مصارف امکان کسب درآمد برای بانک اسلامی فراهم می‌شود. در واقع این استدلال در مورد تمام انواع تسهیلات بانکی اسلامی از قبیل مضاربه، مشارکت، فروش اقساطی که پایه همه آنها «بیع» است و موضوع «بیع» باید اموال قابل خرید و فروش باشد، مصداق دارد. با این شیوه رفتاری، در اعطای تسهیلات بانکی، بانک با ورود در مالکیت اموال و خروج از مالکیت آنها هم منابع مالی مورد نیاز واحدهای اقتصادی را برای تهیه و تدارک اموال تأمین می‌نماید و هم خود از رهگذر این شیوه رفتاری درآمد کسب می‌کند.

صرفنظر از ویژگی کلی فوق که در مورد انواع نیازهای عادی و «متعارف» واحدهای اقتصادی صادق است، هنگامی این قبیل نیازها توسط بانکهای اسلامی قابل تأمین مالی خواهند بود که دارای ویژگی‌های زیر نیز باشند:

- ۱- منطق مبلغ داشته باشد. در واقع چنانچه مبلغ نیازها از حد معینی کمتر باشد، تأمین آن برای بانک مقرون به صرفه نخواهد بود.
- ۲- منطق مدت داشته باشد. این قبیل نیازها، هر قدر هم که زیاد باشد، چنانچه برای مدت‌های کوتاه مثلاً یک روزه، دو روزه، یک هفته و امثال آن مطالبه شود، قاعدتاً تأمین آن بصورت عادی و «متعارف» برای بانک اسلامی مقرون به صرفه نخواهد بود.
- ۳- باید ماهیت تجاری داشته باشد. همانطوری که قبلاً ذکر شد، نیاز باید قطعاً ماهیت تجاری داشته باشد تا بانک بتواند بر پایه معاملات اسلامی نسبت به تأمین آن نیاز مبادرت نماید.
- ۴- ماهیت اضطراری و فوری ندارند. چون این‌گونه نیازهای عادی و «متعارف» در پیش‌بینی‌ها و برنامه‌های واحدهای اقتصادی پیش‌بینی می‌شوند، لذا، تأمین مالی آنها در اسرع وقت و در مدت معقول و با بررسی‌های لازم توسط بانک صورت می‌پذیرد. با بیان دیگر، رعایت تشریفات اداری

برای بررسی اعتباری، صرف وقت برای تصویب اعتبار، امضاء قرارداد، ابلاغ اعتبار و ... از جمله الزامات اعطای تسهیلات بانکی جهت تأمین نیازهای «متعارف» می‌باشد. این ترتیبات هم توسط واحدهای اقتصادی گیرنده تسهیلات و هم توسط بانک‌های اعطاکننده تسهیلات پذیرفته شده است.

بطوری که ملاحظه می‌شود، مجموعه ویژگی‌های فوق، نیازهای عادی و «متعارف» را از نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف»، که ویژگی‌های آنها متعاقباً تبیین خواهد شد، متمایز می‌کند.

روش تأمین منابع برای نیازهای عادی و «متعارف»

روش تأمین منابع برای نیازهای مورد اشاره در نظام بانکداری سنتی و غیراسلامی با نظام بانکداری اسلامی کاملاً متفاوت است.

در نظام بانکداری سنتی، روش تأمین منابع مالی، بطور کلی، برای پوشش هر نوع نیاز واحدهای اقتصادی، منجمله نیازهای عادی و «متعارف» آنها کاملاً ساده است. زیرا، در این نظام بانکداری معمولاً منابع مالی مورد واحدهای اقتصادی همواره بصورت «وجه نقد» از طریق عمده‌ترین ابزار اعتباری بانکی، یعنی «وام» در اختیار آنها قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، واحد اقتصادی با داشتن وجه نقد می‌تواند مبادرت به تهیه و تدارک انواع نیازهای خود بکند. در این شیوه رفتاری، بانک سنتی برای منابع مالی خود که بصورت وام پرداخت شده است مبلغی اضافه دریافت می‌دارد که درآمد بانک را تشکیل می‌دهد. البته یادآوری می‌شود که این شیوه رفتاری در نظام بانکداری اسلامی پذیرفته نیست.

دلیل عمده این امر به اصل ربوی بودن عمل مربوط می‌شود. زیرا، از دیدگاه بانکداری اسلامی اعطای «وام» و دریافت مبلغ اضافه بصورت سود یا بهره یا هر اسم دیگری «ربا» تلقی می‌شود. همانطوری که قبلاً ذکر شد، در نظام بانکداری اسلامی «وام» به مفهوم «قرض»، براساس موازین اسلامی، باید بصورت «حسنه» باشد.

نتیجه‌گیری منطقی حاصل از این بحث اینست که تأمین منابع مالی مورد نیاز واحدهای اقتصادی برای تهیه و تدارک مصارف عادی و «متعارف» آنها توسط سیستم بانکی اسلامی از طریق «وام» که باید بصورت «حسنه» باشد نه عملی است و نه با منطق مصرف بهینه منابع پس‌انداز جامعه که در نظام بانکی متمرکز می‌گردد، تطبیق می‌کند. پس قاعدتاً باید روش یا روش‌های دیگری بکار گرفته شود تا بتواند هم نیازهای مالی واحدهای اقتصادی تأمین‌گردد و هم مصرف بهینه منابع پس‌انداز جامعه را در برداشته باشد.

در بخش مربوط به ویژگی‌های نیازهای عادی «متعارف» تحلیل خلاصه‌ای از ماهیت این قبیل نیازها ارائه گردید و ویژگی‌های ابزارهای اعتباری که بتواند نیازهای مورد اشاره را توسط نظام بانکداری اسلامی تأمین کند نام برده شد. در بخش‌های بعدی، ابزارهای مطلوب تأمین مالی قابل استفاده در بانکداری اسلامی و همچنین ویژگی‌های این ابزارها برای تأمین نیازهای مالی واحدهای اقتصادی مورد بحث و تحلیل قرار خواهد گرفت.

ابزار مطلوب تأمین مالی در بانکداری اسلامی

هر یک از ابزارهای اعتباری که در بانکداری اسلامی به کار می‌رود، ویژگی‌های خاص خود را دارد. آنچه مهم است، انتخاب ابزار یا ابزارهای اعتباری است که مجموعه ویژگی‌های مطلوب ذکر شده درخصوص ابزار اعتباری را دارا باشد. در بانکداری اسلامی متداول در ایران، جمعاً ده ابزار اعتباری به کار می‌رود که با مشتقات آنها مجموعاً به چهارده ابزار بالغ می‌گردد. دو ابزار اعتباری مزارعه و مساقات، به دلایل مختلف کاربردی نداشته و به‌علاوه، به دلیل محدودیت کاربرد، واجد ویژگی‌های ابزار مطلوب نیستند. هشت ابزار اعتباری باقیمانده عبارت از مضاربه، فروش اقساطی، سلف، اجاره به شرط تملیک، قرض الحسنه اعطایی، خرید دین، جعاله و بالآخره مشارکت می‌باشند. به استثنای ابزارهای اعتباری مشارکت و جعاله، بقیه ابزارها واجد تمام ویژگی‌های مطلوبی که در مورد ابزار اعتباری برشمرده شده نیستند.

بعضاً در تأمین مبلغ منابع محدودیت دارند، تعدادی قابلیت تمدید ندارند، عده‌ای سود ثابت را با خود به همراه دارند و بالآخره از هم مهمتر تمامی آنها قابلیت کاربرد در همه زمینه‌ها را ندارند. لکن، برخی از آنها و به‌ویژه مشارکت انتخاب مناسبی هستند که تقریباً تمام ویژگی‌های مربوط به ابزار مطلوب اعتباری یا ابزار تأمین مالی مطلوب را دارا می‌باشند.

ویژگی‌های ابزارهای مطلوب تأمین مالی در بانکداری اسلامی

با توجه به ماهیت و ویژگی‌های نیازهای اعتباری عادی و «متعارف» در واحدهای اقتصادی، قاعدتاً باید از ابزار یا ابزارهای تسهیلات بانکی استفاده شود تا بتواند نیازهای مزبور را با ویژگی‌های گفته شده با سهولت تأمین نماید. به عبارت دیگر، ویژگی‌های ابزار باید با ویژگی‌های نیاز مطابقت داشته باشد تا بتواند در بانکداری اسلامی بکار گرفته شده و با موازین اسلامی نیز تعارض نداشته باشد. همانطوری که ذکر شد ابزارهای متعددی در بانکداری اسلامی برای تأمین مالی بکار گرفته می‌شود که هر یک ویژگی‌های خود را دارد. در هر صورت بدلائل گفته شده، ابزار یا ابزارهایی که ویژگی‌های زیر را داشته باشد، می‌تواند ابزار مطلوب تأمین مالی در

بانکداری اسلامی تلقی گردد:

۱- قابلیت انجام معاملات تجاری را داشته باشد - تقریباً تمام ابزارهایی که در حال حاضر در بانکداری اسلامی بکار می‌روند با داشتن پایه «بیع» می‌توانند وسیله معاملات تجاری قرار گیرند.

۲- قابلیت کسب سود را داشته باشد - نظر به اینکه به موجب بند (۱) فوق، ابزارهای مورد استفاده در بانکداری اسلامی، قابلیت انجام معاملات تجاری را دارند، لذا، به تبع آن این ابزارها، قابلیت کسب سود برای بانک اسلامی را نیز دارند.

۳- قابلیت کسب سود را بصورت شناور داشته باشد - این ویژگی در همه ابزارها وجود ندارد. دریافت سود متغیر و به تبع آن داشتن نرخ سود شناور با بکارگیری تعداد محدودی از ابزارهای اعتباری مورد عمل در بانکداری اسلامی، امکان‌پذیر است.

۴- ویژگی اعتباری داشته باشد - این ویژگی سبب می‌شود تا منابع مالی اعتبار دهنده بطور مستقیم یا غیرمستقیم به اعتبارگیرنده منتقل شود.

۵- برای هر مبلغ اعتبار کاربرد داشته باشد - تقریباً تمام ابزارهای اعتباری واجد این ویژگی می‌باشند.

۶- برای هر مدت کاربرد داشته باشد - در این مورد نیز بطور عموم تمام ابزارهای اعتباری دارای این ویژگی هستند و می‌توان آنها را برای مدت‌های متفاوت بکار گرفت.

۷- کاربرد وسیع داشته باشد - این ویژگی در همه ابزارهای مورد استفاده در بانکداری اسلامی وجود ندارد. زیرا، کاربرد بعضی از آنها در برخی از امور اقتصادی شرعاً ممنوع است و کاربرد بعضی نیز قانوناً محدود شده است. وجود ویژگی کاربرد وسیع در ابزار اعتباری موجب می‌گردد ابزار مزبور نسبت به سایر ابزارهای از مطلوبیت بیشتری برخوردار گردد.

نتیجه‌گیری کلی که از مطالب گفته شده حاصل می‌شود اینست که همه نیازهای عادی و «متعارف» واحدهای اقتصادی برای مصارف عادی و «متعارف» آنها هم در بانکداری اسلامی، با ابزارهای مالی «متعارف» و هم در بانکداری سنتی با ابزار اعتباری «وام» قابل تأمین می‌باشد. لیکن همانطوری که قبلاً ذکر شد، نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف» آنها با ابزارهای عادی و «متعارف» متداول در بانکداری اسلامی قابل تأمین نمی‌باشد. برای تشریح بیشتر مطلب، ضرورت دارد، شناخت بیشتری از نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف» و ویژگی‌های آنها به عمل آید.

فصل دوم

تشریح نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف»

تعریف: نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف» و یا در واقع نیازهای اضطراری مقطعی، عموماً خارج از پیش‌بینی‌های عادی واحدهای اقتصادی، بصورت فوری بروز می‌کند. این نیازها عمدتاً

در اثر عدم تطبیق پیش‌بینی‌های منابع مالی و مصارف مالی واحدهای اقتصادی در عملکرد، با وضعیت واقعی رخ می‌دهد و اکثراً ظرف مدت کوتاهی برطرف می‌شود. به عبارت دیگر، برعکس نیازهای عادی و «متعارف» نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف» قابل پیش‌بینی نبوده و تأمین آنها با برنامه‌ریزی و ابزار تأمین مالی «متعارف» امکان‌پذیر بنظر نمی‌رسند. با توجه به این مراتب، قاعده‌تاً باید این‌گونه نیازها به شکل موردی و بلافاصله هنگام بروز و اصولاً بصورت «وجه نقد» تأمین مالی شوند. مصادیق این‌گونه نیازها ذیل‌تاً تشریح می‌گردد:

مصادیق نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف»

نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف» که عمدتاً بصورت اضطراری رخ می‌دهند، شباهتی به نیازهای عادی و «متعارف» که مصادیق آنها تمام در ترازنامه واحد اقتصادی دیده می‌شوند، ندارند. در واقع هر یک از نیازهای غیرعادی و متعارف، منحصر به فرد بوده و صرفاً هنگام بروز وجود آنها احساس می‌شود. عمده‌ترین مصادیق این قبیل نیازها برای واحدهای اقتصادی بشرح ذیل می‌باشند:

- ۱- کسری پیش‌آمده برای پرداخت‌های فوری نظیر دستمزد و حقوق
- ۲- کسری مواد اولیه و قطعات یدکی پیش‌آمده خارج از برنامه‌های معمول
- ۳- پرداخت‌های موردی به پیمانکاران که بصورت اضطراری پیش می‌آید.
- ۴- خریدهای فوری اداری
- ۵- فوریت پیش‌آمده برای پرداخت عوارض، حقوق گمرکی برای ترخیص‌های اضطراری
- ۶- کسری پرداخت برای بروات، سفته‌ها، چکها
- ۷- کسری پرداخت تعهدات دیگر به بستانکاران که بصورت اضطراری اتفاق می‌افتد.
- ۸-
-
-

ویژگی‌های نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف»

موضوع مقاله شناخت ویژگی‌های نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف» بمنظور ارائه تشریح برای تأمین مالی این قبیل نیازها که در واقع یکی از نارسائی‌های عمده نظام بانکداری اسلامی را تشکیل می‌دهد، می‌باشد. همانطوری که ذکر شد، برخلاف ماهیت نیازهای عادی و

نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف» موارد معینی را در بر نمی‌گیرد، بلکه، هر یک از این قبیل نیازها، در نوع خود منحصر به فرد می‌باشد. در عین حال، نظر به اینکه این قبیل نیازها، بطور کلی، ماهیتاً به گونه‌ای هستند که قابلیت این را ندارند که موضوع معاملات تجاری قرار گیرند، لذا، اغلب آنها نمی‌توانند از طریق خرید و فروش و یا نقل و انتقال مالکیت آنها موضوع معاملات «پایه» تسهیلات بانکی در بانکداری اسلامی نیز قرار گیرند و با استفاده از ابزارهای عادی و «متعارف» تأمین مالی شوند. علاوه بر این نکات، نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف» دارای ویژگی‌های زیر نیز می‌باشند:

۱- فوری بودن نیازها - نظر به اینکه نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف» خارج از محدوده پیش‌بینی‌ها و بصورت اضطراری بروز می‌کنند، رخداد آنها ناگهانی، فوری و غیرقابل پیش‌بینی بوده و تأمین مالی آنها راه‌حل فوری را طلب می‌کند.

۲- کوتاه بودن مدت نیازها - همانطوری که در بند (۱) ذکر شد، فوری و اضطراری بودن این قبیل نیازها بدلیل عدم تطبیق پیش‌بینی منابع و مصارف واحد اقتصادی، بزودی با تحقق پیش‌بینی‌ها برطرف می‌شود. در واقع این ویژگی ایجاب می‌کند که نیاز مزبور به فوریت تأمین مالی شده و مجدداً بلافاصله پس از رفع نیاز، از محل منابع مازاد، جبران شود. فاصله بین رخداد و پیش آمدن نیاز و برطرف شدن آن بسیار کوتاه است که در هر صورت، منابع مالی لازم برای پرکردن این فاصله باید بصورت (Bridge Finance) یا اعتبار واسطه در اختیار واحد اقتصادی قرار گیرد.

۳- نداشتن ماهیت تجاری - نظر به اینکه این قبیل نیازها بصورت کسری مقطعی و کوتاه مدت و بصورت اضطراری بروز می‌کند، عموماً باید با «وجه نقد» تأمین مالی شود. به عبارت دیگر، مهمترین ویژگی این نیازها، همانطوری که قبلاً نیز ذکر شد، اینست که تقریباً هیچ‌یک بصورت اموال یا دارائی نیستند که بتوانند موضوع معاملات «پایه» تسهیلات بانکی «متعارف» در بانکداری اسلامی قرار گیرند.

۴- کم بودن مبلغ نیاز - در مقایسه با نیازهای عادی و «متعارف» که معمولاً مبالغ قابل توجه و منطقی داشته و از طریق ابزارهای «متعارف» قابل تأمین مالی می‌باشند، این نیازها عموماً به صورت مبالغ کم و به ندرت بصورت مبالغ بزرگ بروز می‌کنند. از این جهت تأمین مالی آنها در شکل تسهیلات «متعارف» مقرون به صرفه نمی‌باشد، بطور خلاصه ملاحظه می‌شود که: فوری و اضطراری بودن نیازها، کم بودن مبلغ و کوتاه بودن مدت آنها و مهمتر از همه تجاری نبودن ماهیت نیازهای مورد اشاره با ویژگی‌های نیازهای عادی و «متعارف» همخوانی ندارند. در نتیجه، شیوه تأمین مالی نیازهای موصوف، کاملاً متفاوت از شیوه تأمین مالی نیازهای عادی

و «متعارف» می‌باشد. با توجه به این مراتب، شیوه ابداعی برای تأمین این گونه نیازها در بخش‌های بعدی تبیین می‌شود.

روش تأمین مالی نیازهای غیرعادی و «متعارف»

روش تأمین منابع مالی مورد نیاز برای برطرف کردن نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف» در بانکداری سنتی و بانکداری اسلامی با هم تفاوت کلی و ماهوی دارند. در بانکداری سنتی، همانطوری که ذکر شد، نیازها از هر قبیل که باشد اعم از نیازهای «متعارف» و «غیرمتعارف» معمولاً و عمدتاً بصورت اعطای «وام» ربوی، در شکل «وجه نقد» در اختیار واحدهای اقتصادی قرار می‌گیرد. در نتیجه، برای نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف» با ویژگی‌های فوق، یعنی نیازهای فوری و اضطراری، با هر مبلغ و هر مدت نیز «وام» بصورت اعتبار در حساب جاری در اختیار واحدهای اقتصادی قرار می‌گیرد و مشکل را حل می‌کند. به عبارت دیگر، برای این قبیل نیازها اجازه برداشت از حساب جاری داده می‌شود و روزانه مبلغ معینی «بپهره» نسبت به اصل «وام»، از واحد اقتصادی که عموماً منابع را بصورت کوتاه مدت استفاده می‌کند، دریافت می‌گردد. در حالیکه این شیوه عمل در نظام بانکداری اسلامی بدلیل ربوی بودن امکان‌پذیر نمی‌باشد.

بطوریکه ملاحظه می‌شود، در بانکداری اسلامی، با ابزارهای «متعارف» نمی‌توان نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف» با ویژگی‌های فوق را تأمین مالی نمود. زیرا، کاربرد این ابزارها، ملازمه با صرف وقت و معطلی اداری دارد که با نیازهای فوری و اضطراری که ذاتاً ماهیت تجاری نیز ندارند، همخوانی ندارد.

روش‌های دیگری نیز برای تأمین مالی این قبیل نیازها بنظر می‌رسد که از لحاظ اقتصادی چندان منطقی نبوده و بعضاً نیز عملی نمی‌باشد، مثلاً، واحد اقتصادی می‌تواند برای پوشش این نیازها، همواره ذخیره نقدی به میزان کافی نزد خود نگهداری نماید تا در مواقع اضطراری از آنها استفاده کند. طبعاً، هزینه نگهداری دائمی و مستمر این قبیل ذخائر برای واحدهای اقتصادی سنگین خواهد بود. روشهای دیگر، نظیر قرض از اشخاص ثالث برای کوتاه مدت، با هزینه سنگین نیز نه وجاهت شرعی دارد و نه مقرون به صرفه است. نهایتاً دریافت «قرض» از نظام بانکی اسلامی نیز به دلایل ذکر شده، به‌عنوان یک روش تأمین مالی همیشگی امکان‌پذیر بنظر می‌رسد. بطوری‌که ملاحظه می‌شود، همه راهها با شیوه‌های متداول دارای مشکلات خاص خود می‌باشند. پس برای حل مشکل چه باید کرد؟

«سرمایه» و مبانی خرید و فروش آن در بانکداری اسلامی

پاسخ به این سؤال حول محور «خرید» و «فروش» یا «بیع» «سرمایه» دور می‌زند. به عبارت ساده‌تر، چنانچه «سرمایه» اولاً در اشکال مختلف آن قابل خرید و فروش باشد و ثانیاً این خرید و فروش با موازین اسلامی تعارض نداشته باشد، در این صورت، ارائه طریق و حل نارسائی موضوع مقاله، امری امکان‌پذیر خواهد بود. هر چند، به ظاهر همگان اذعان دارند که خرید و فروش «سرمایه» از دیدگاه بانکداری اسلامی امری بدیهی است، لیکن، بحث بیشتر در این زمینه، به آگاهی بیشتر در مورد امکان‌پذیری، اندیشه «سرمایه شناور» برای بکارگیری در جهت حل یکی از نارسائی‌های اساسی نظام بانکداری اسلامی کمک می‌کند.

قاعدتاً، خرید و فروش «سرمایه» در صورتی در بانکداری اسلامی قابلیت کاربرد خواهد داشت که خرید یا فروش یا در واقع «بیع» «سرمایه»، در مقابل «سرمایه» نباشد. به عبارت دیگر، «بیع سرمایه» در مقابل «سرمایه» یا در واقع معاوضه «سرمایه» با «سرمایه» ممکن است با موازین اسلامی تعارض پیدا کند. این مطلب در مورد هر مال یا دارائی دیگری نیز مصداق دارد. بطور کلی معامله «مثل» با «مثل» اگر درست انجام نشود، ممکن است شبهه شرعی ایجاد کند. در نتیجه، معامله «مثل» با «غیرمثل» می‌تواند شبهه شرعی نداشته باشد.

با توجه به این مراتب، هنگامی که سخن از خرید و فروش «سرمایه» مطرح است، سخن از معامله «سرمایه» با پول یا مال دیگری غیر از خود همان «سرمایه» یا اجزاء دیگر همان «سرمایه» است. در این صورت، تحقق اندیشه خرید و فروش «سرمایه»، کاملاً عملی خواهد بود.

مطالب فوق به عمد مطرح گردید تا اصطلاح یا مفهوم «سرمایه» و خرید و فروش آن، آن‌طور که در این مقاله مد نظر می‌باشد، به خواننده منتقل شود و ایجاد ابهام نکند. زیرا، اصطلاح «سرمایه» معانی و مفاهیم مختلفی را به ذهن متبادر می‌کند که در نظر اشخاص مختلف ممکن است، مفهوم یکسان نداشته باشد.

نگاهی گذرا به تعاریف و مفاهیم ذیل، از سرمایه، عدم یکسان بودن آنها را روشن می‌کند. زیرا، از کلمه «سرمایه» برداشت‌های متفاوتی توسط متفکرین مختلف شده است: (۱) - اقتصاددانان «سرمایه» را معمولاً به مفهوم دارائی فیزیکی نظیر ماشین آلات، تأسیسات، تکنولوژی، ساختمان، موجودی کالا و بعضاً ارزش فعلی نیروی انسانی بکار می‌برند. (۲) - گروهی دارائی‌های مولد ثروت را «سرمایه» می‌پندارند. (۳) - حسابداران «سرمایه» را به مفهوم وجوهی که در طرف بدهی ترازنامه نشان داده می‌شود و نشانه طلب صاحبان واحد اقتصادی از آن واحد است، می‌شناسند.

علم مدیریت مالی (Finance) در واقع انباشت منابع مالی در دارائی‌ها اعم از اینکه بصورت

دارائی‌های فیزیکی یا مالی و یا اینکه بصورت دارائی‌های جاری یا ثابت در آمده باشد، مفهوم کلی تری از «سرمایه» می‌شناسد. در واقع، در این تعریف، کلمه «سرمایه» به مفهوم، منابع مالی به ویژه منابع مالی بلند مدتی است که برای امر ایجاد، تکمیل، توسعه، بازسازی، راه اندازی و ادامه فعالیت واحدهای اقتصادی ضروری می‌باشد.

به رغم همه مفاهیم و اصطلاحات فوق، اصطلاح «سرمایه» در این مقاله در شکل ساده تری مورد نظر می‌باشد. البته، این نظر تقریباً تلفیقی از مفاهیم و اصطلاحات مورد اشاره را در بر می‌گیرد، به نحوی که ماهیت «سرمایه» از دیدگاه بانکداری اسلامی، بهتر مشخص شود تا خرید و فروش یا «بیع» آن بدون شبهه و با سهولت امکان پذیر باشد.

از دیدگاه بانکداری اسلامی، سرمایه و پول شباهت بسیار زیادی با یکدیگر دارند. منابع مالی، هنگامی که مصرف نشده باشد پول بنظر می‌رسد. هنگامی که این منابع مصرف شوند، بلافاصله به «سرمایه» تبدیل می‌شود. مصداق بارز آن «مضاربه» است.

منابع مالی قبل از بکارگیری در مضاربه، «سرمایه» محسوب نمی‌شود. لیکن، بلافاصله پس از بکارگیری در مضاربه سرمایه تلقی می‌گردد. در مشارکت وضعیت مشابهی وجود دارد. منابع مالی قبل از اینکه به صورت مشاع در مشارکت بکار گرفته «سرمایه» تلقی نمی‌شود، لیکن، پس از بکارگیری در امر مشارکت به «سرمایه» تبدیل می‌شوند. البته منظور از مشارکت، هر نوع آن است. زیرا، مشارکت کلمه عام است و عبارات حقوقی، مدنی، گردان، شناور... و امثال آن ماهیت مشارکت را که براساس موازین اسلامی تشکیل می‌شود، تغییر نمی‌دهد.

مثال‌های فوق، شناخت «سرمایه» را تا حد زیادی تسهیل می‌کند. در واقع، بر مبنای این مثال‌ها، «سرمایه» کلیه دارائی‌ها و اموالی را شامل می‌شود که بوسیله منابع مالی تهیه و تدارک شده باشد. بدیهی است، خرید و فروش اموال و دارائی‌ها، بصورت کلی یا جزئی، امری مجاز است. این خرید و فروش می‌تواند در شکل فیزیکی و یا به صورت خرید و فروش حق مالکیت بر آنها صورت پذیرد.

با توجه به این مراتب، منظور از خرید و فروش «سرمایه» عمدتاً خرید و فروش حق مالکیت بر دارائی‌ها و اموالی است که از محل منابع مالی بکار رفته برای تهیه و تدارک آنها ایجاد شده باشند.

تحلیل‌های فوق، موجب می‌شود که «سرمایه» در اشکال: (۱) - «سهام» شرکت‌های حقوقی، (۲) - «سهام الشریکه» در شرکت‌های مدنی، (۳) - «اوراق مشارکت» در شرکت‌های خاص، (۴) -

«سپرده‌های سرمایه‌گذاری»* (وکالتی) در بانک‌های اسلامی، (۵) - «سرمایه شناور» یا گردان در مشارکت‌های گردان، ۰۰۰ همگی از جمله مصادیق حق مالکیت بر اموال موضوع این مشارکت‌ها می‌باشند که خرید و فروش آنها به صورت کلی یا جزئی، بدون شبهه عملی می‌باشد. همین امر موجب می‌شود که نارسائی موضوع مقاله، از طریق خرید و فروش «سرمایه» به شیوه ابداعی، قابل برطرف کردن باشد. برای روشن شدن این امر، مصادیق کاربردی فروش «سرمایه» در انواع موارد آن، به‌ویژه در مواردی که «سرمایه» در شکل «شناور» یا «گردان» آن مورد معامله قرار می‌گیرد بشرح بخش‌های بعدی مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرد:

فصل سوم - ارائه روش جدید برای برطرف کردن نارسائی

با توجه به تحلیل‌های فوق، چنانچه ابزاری که طراحی می‌شود ضمن اینکه امکان تأمین مالی نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف» واحدهای اقتصادی را داشته‌باشد، از ویژگی‌های ابزار مطلوب تأمین مالی از دیدگاه اسلامی نیز برخوردار باشد، اندیشه‌ای نو خواهد بود که هم این‌گونه نیازهای واحدهای اقتصادی را تأمین کند و هم قابلیت قبول برای بکارگیری در بانکداری اسلامی را خواهد داشت.

براساس آنچه در مبحث مربوط به ابزار مطلوب تأمین مالی در بانکداری اسلامی مورد تحلیل واقع شد، یکی از مناسب‌ترین ابزارهای تأمین مالی مشارکت است که ماهیتاً ویژگی‌های «ابزار مطلوب» را دارد و می‌تواند مشکل تأمین نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف» را بصورت فوری حل کند. زیرا، «مشارکت» براساس موازین اسلامی از ویژگی‌های اساسی: سرمایه شناور، نرخ سود شناور و مدت شناور برخوردار است.

مشارکت؛ ابزاری برتر در بانکداری اسلامی

توضیح بیشتر در این زمینه می‌تواند به روشن شدن بیشتر مطلب کمک کند. «سرمایه شناور» در مشارکت به مفهوم «سرمایه گردان» یا سرمایه‌ای که قابلیت زیاد یا کم شدن را داشته‌باشد، بکار رفته است. نظر به اینکه براساس موازین مشارکت، حسب توافق شرکاء و تحت شرایط معین، «سرمایه» مشارکت می‌تواند کم یا زیاد شود، لذا، قابلیت «شناور» بودن «سرمایه» محرز است. مهمتر از آن و صرف‌نظر از «شناور» بودن «سرمایه» به ترتیبی که ذکر شد، سهم «سرمایه» هر یک از شرکاء نیز بدلیل ماهیت مشارکت می‌تواند، در هر لحظه، تحت شرایط معینی

* - سپرده‌های سرمایه‌گذاری (وکالتی) از جمله «سرمایه» هائی می‌باشند که بر اموال و دارائی‌های بانکهای اسلامی که از محل تسهیلات بانکی ایجاد شده‌اند، حق مالکیت دارند.

کم یا زیاد شود. در واقع، سهم سرمایه شریک نیز می‌تواند ماهیت شناور داشته باشد. یکی از نکاتی که می‌تواند به حل مشکل موضوع مقاله کمک کند همین مطلب بنظر می‌رسد.

علاوه بر شناور بودن «سرمایه»، مدت مشارکت نیز، تحت شرایط معین و توافق شرکاء، قابلیت کم یا زیاد شدن را دارد و می‌تواند هر اندازه که لازم باشد تعیین شود. لذا، مدت نیز، هم در مورد کل مدت مشارکت و هم در مورد مدت مشارکت هر یک از شرکاء می‌تواند شناور باشد.*

در نهایت و مهمتر از سرمایه شناور و مدت شناور، در مشارکت، سود و به تبع آن نرخ سود نیز ذاتاً شناور است. دلیل عمده از این امر از هدف و ماهیت مشارکت نشأت می‌گیرد که اصولاً مشارکت به قصد انجام فعالیت اقتصادی بمنظور کسب سود تشکیل می‌شود. در عین حال، بر مبنای موضوع مشارکت، فعالیت در امورات اقتصادی ملازمه با خرید و فروش (بیع) و یا بطور کلی نقل و انتقال (Conversion) مالکیت اموال موضوع مشارکت موضوع دارد. از این رو، و نظر به اینکه خرید و فروش می‌تواند در زمانهای مختلف و در قیمت‌های مختلف انجام شود، لذا، بدیهی است که قیمت‌های متفاوت در هر معامله و یا در هر زمان دیگر، به نوبه خود می‌تواند موجب سود و مالاً نرخ‌های سود متفاوت بشود. نرخ‌های سود متفاوت در واقع نرخ سود شناور است. این ویژگی نیز مشارکت را نسبت به سایر ابزارهای تسهیلات بانکی متداول در نظام بانکی اسلامی ممتاز می‌کند.**

با توجه به تحلیل‌های فوق، ملاحظه می‌شود که مشارکت بدلیل داشتن ویژگی‌های ممتاز و مطلوب و منجمله بدلیل داشتن ویژگی سرمایه شناور می‌تواند از مناسب‌ترین، شاید هم مناسب‌ترین ابزار تسهیلات بانکی برای تأمین مالی نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف» واحدهای اقتصادی توسط نظام بانکداری اسلامی باشد. بطور خلاصه، استفاده از مشارکت با «سرمایه شناور» یا «سرمایه گردان» یکی از روش‌های حل نارسائی موضوع مورد بحث مقاله بنظر می‌رسد.

البته باید اذعان داشت که مشارکت با «سرمایه شناور» یا «سرمایه گردان» در بسیاری موارد دیگر، در ایران و جهان، نیز متداول می‌باشد. بررسی، تحلیل و شناسائی، برخی از این موارد مشابه می‌تواند به تقویت کاربرد اندیشه، مشارکت با «سرمایه گردان» یا «سرمایه شناور» کمک

* - برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع شود، به مقاله نویسنده تحت عنوان: «بانکداری اسلامی نمونه» منتشر شده در مجموعه سخنرانیها و مقالات ارایه شده در ششمین سمینار بانکداری اسلامی، ۱۳ و ۱۴ شهریور ماه ۱۳۷۴، صص ۶۹-۹۲

** - برای مطالعه بیشتر، رجوع شود به مقاله نویسنده تحت عنوان: «نرخ سود شناور اندیشه‌ای نو، در بانکداری اسلامی» منتشر شده در مجموعه سخنرانیها و مقالات در دهمین سمینار بانکداری اسلامی، ۱۰ و ۱۱ شهریور ماه ۱۳۷۸، صص ۸۳-۶۵

نماید.

موارد مشابه مشارکت با سرمایه شناور

شرکت‌های تعاونی در ایران، از جمله مشارکت‌هایی است که سرمایه آن هم از نظر کلی سرمایه نامحدود (Open End) یا «شناور» و هم از نظر سرمایه هر یک از شرکاء شناور است. میزان خرید و فروش اوراق مشارکت توسط افراد، بترتیبی که در ایران عمل می‌شود، ماهیت «سرمایه شناور» برای افراد دارد. لکن، کل سرمایه مشارکت، در این مورد، محدود و بسته (Closed End) می‌باشد. سهم سرمایه اشخاص در سرمایه شرکت‌های تجاری که در ایران فعالیت دارند، به‌ویژه شرکت‌هایی که در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند، ماهیت شناور دارد. زیرا، شرکاء این شرکت‌ها می‌توانند سرمایه خود را از طریق خرید یا فروش زیاد یا کم کنند.

در کشورهای دیگر جهان نیز مصادیق سرمایه شناور وجود دارد. شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشاع Mutual Funds چه بصورت دارای سرمایه باز یا نامحدود (Open End) و چه بصورت دارای سرمایه بسته یا محدود (Closed End) و همچنین شرکت‌های مشابه آنها یعنی Unit Trusts نیز همگی به نوعی دارای سرمایه شناور می‌باشند. شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشاع با سرمایه باز یا نامحدود (Open End) هم از نظر کل سرمایه و هم از نظر سرمایه هر یک از شرکاء دارای سرمایه شناور هستند. لیکن، در مورد شرکت‌های سرمایه‌گذاری با سرمایه بسته یا محدود یعنی (Closed End) سرمایه هر یک از شرکاء شناور است و در عین حال، سرمایه خود این شرکت‌ها نیز در محدوده سقف سرمایه شناور می‌باشد. روش عمل در هر یک از موارد ذکر شده بشرح ذیل می‌باشد:

شرکت‌های تعاونی با سرمایه شناور (Open End)

تقریباً تمام شرکت‌های تعاونی که در کشور ایران وجود دارد، همانطوری که قبلاً ذکر شد، از نوع شرکت‌هایی هستند که سرمایه آنها بطور نامحدود (Open End) شناور است. بدین معنا، که خود شرکت‌های تعاونی همواره آمادگی دارند که سهام خود را به هر میزان به فروش برسانند و سرمایه خود را متناسباً افزایش دهند. در عین حال، همین شرکت‌ها همواره آمادگی دارند که یا باز خرید سهام خود به هر میزان، سرمایه خود را متناسباً کاهش دهند. بطوری که ملاحظه می‌شود، سرمایه شرکت‌های تعاونی، می‌تواند بر مبنای مقررات موجود، بدون رعایت تشریفات ثبتي یا رسمي ديگر، کاهش يا افزايش يابد. طبعاً، تنها نکته مهمی که در اینجا قابل ذکر

می‌باشد، میزان نقدینگی لازم در این گونه شرکت‌ها و یا میزان معینی از دارائی‌های آنها که سریعاً قابلیت تبدیل به نقد شدن را دارد، عامل محدودکننده در خرید سهام آنها بنظر می‌رسد. چنانچه بشود تمهیدی اندیشید که همواره نقدینگی لازم برای خرید سهام این گونه شرکت‌ها توسط خود این شرکت‌ها فراهم گردد، این محدودیت نیز برطرف می‌شود.

اوراق مشارکت

اوراق مشارکت، بنحوی که در ایران منتشر می‌شود و تحت شرایطی که تعیین می‌شود، همواره توسط دارنده آنها قابل فروش است. در واقع یکی از شرایط اصلی انتشار اوراق، بدلیل ماهیت و طبیعت مشارکت، قابلیت خرید و فروش داشتن اوراق در یک نوبت یا بطور مکرر، می‌باشد. این ویژگی به مفهوم شناور بودن سرمایه دارنده اوراق و یا در واقع شناور بودن سهم سرمایه نامبرده بنظر می‌رسد. این موضوع می‌تواند، بصورت ابزاری در نظام بانکی اسلامی بکارگرفته شده و مشکل نیازهای غیرعادی و «غیرمتعارف» را حل کند. به‌علاوه، همین ویژگی در «سرمایه» یا در واقع «سهام»، یا به اصطلاح «واحدهای سرمایه» (Units) در شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشاع متداول در سایر کشورها نیز وجود دارد.

شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشاع

در کشورهای مختلف جهان، بمنظور تسهیل امر سرمایه‌گذاری برای پس‌اندازکنندگان کوچک از ابزاری استفاده می‌شود که به آن «واحد سرمایه» یا Unit گفته می‌شود، برای استفاده از این ابزار بدو شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشاع که مدیران آن در حد بسیار زیادی مورد وثوق و اعتماد عموم بوده و دارای تخصص‌های فنی لازم می‌باشند، بوجود می‌آیند. شرکت‌های مورد اشاره، در چارچوب ضوابط و مقررات بسیار منضبط تحت نظارت مقامات مالی و زیر نظر هیأت امناء ذیصلاح مورد اعتماد عمومی اداره می‌شوند. شرکت‌های موصوف سرمایه خود را به جای اینکه در شکل «سهام» منتشر کنند در شکل «واحدهای سرمایه» یا (Units) منتشر می‌نمایند. از لحاظ ماهیت هیچ تفاوتی بین «سهام» یا «واحد سرمایه» وجود ندارد. زیرا، در واقع «سهام» بخش کوچکی یا واحد کوچکی از سرمایه است. «واحد سرمایه» نیز همانطوری که از نام آن پیدا است بخش کوچکی یا واحد کوچکی از سرمایه می‌باشد. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که تفاوت شکلی بوده و فقط در اسم ظاهر می‌شود و هیچ یک از این دو کلمه ماهیت سرمایه را عوض نمی‌کند.

با تشکیل این شرکت‌ها و تجهیز پس‌اندازهای کوچک، سرمایه‌گذاری‌های بسیار بزرگ در

امور مختلف اقتصادی راه اندازی می شود. عامه مردم، با خرید «واحدهای سرمایه» یا در واقع با خرید Units از شرکت های سرمایه گذاری مشاع منابع مالی لازم را در اختیار آنها قرار می دهند. در مقابل شرکت های مورد اشاره نیز با فراهم نمودن نقدینگی لازم، همواره آمادگی دارند که «واحدهای سرمایه» منتشره خود را به محض مراجعه دارنده این «واحدهای سرمایه»، آنها را خریداری نموده و یا عندالزوم به دیگر متقاضیان بفروش برسانند. این ویژگی موجب می شود که پس اندازکنندگان با اطمینان خاطر واحدهای سرمایه (Units) این شرکت را خریداری نموده و هنگام نیاز، نظیر مراجعه به بانک برای دریافت سپرده های خود، به شرکت های مشاع مراجعه و با فروش «واحدهای سرمایه» خود، اصل سرمایه خود و سود آن را دریافت دارند. نظر به اینکه این شرکت ها، همانطوری که ذکر شد، توسط متخصصین مجرب اداره می شوند، معمولاً منابع مالی یا در واقع سرمایه جمع آوری شده خود را در مطلوب ترین نوع فعالیت های اقتصادی که دارای بازده بالا، ریسک کم و نقدینگی زیاد هستند، سرمایه گذاری می کنند.

شرکت های سرمایه گذاری مشاع تحت عناوین مختلفی بوجود می آیند. تنوع این شرکت ها، بدلیل تنوع فعالیت آنها بسیار زیاد است. در عین حال، همه شرکت های موصوف نوعاً واسطه های مالی هستند که از یک طرف سرمایه خود را برتیبی که ذکر شد، بصورت «واحد سرمایه» یا (Units) جمع آوری می کنند و از طرف دیگر سرمایه جمع آوری شده را در اوراق بهادار و سهام واحدهای اقتصادی با کارائی بالا سرمایه گذاری می کنند. در واقع تفاوت اصلی این شرکت های سرمایه گذاری با دیگر شرکت های سرمایه گذاری در این است که منابع این شرکت عمدتاً از «سرمایه» (بعضاً نیز از «سرمایه» و تسهیلات بانکی) و مهمتر از آن، مصارف یا دارائی های آنها از سهام و سایر اوراق بهادار تشکیل می شود. نگاهی گذرا به ترازنامه این قبیل شرکت های سرمایه گذاری نکات ذکر شده را بهتر روشن می کند.

ترازنامه

شرکت های سرمایه گذاری مشاع

دارائی ها	بدهیها
سهام و اوراق بهادار:	
با نقدینگی بسار بالا و سودآوری	سرمایه (Units) xxx
مطلوب و ریسک پائین	-----
جمع xxx	جمع xxx
=====	=====

بطوری که ملاحظه می‌شود، عمده‌ترین ویژگی این شرکت‌ها دارائی‌های مالی آنهاست که از نقدینگی بسیار بالا برخوردار می‌باشد. این نقدینگی موجب می‌گردد تا شرکت‌های موصوف هر لحظه بتوانند «واحدهای سرمایه» خود را خریداری یا به فروش برسانند. به عبارت دیگر، هر لحظه بتوانند سرمایه خود را زیاد یا کم کنند. بر مبنای آنچه بیان شد، ویژگی‌های کلی و عمومی این شرکت‌ها بشرح ذیل خلاصه می‌شود:

اول - سرمایه خود را از طریق عرضه به عموم مردم بصورت «واحدهای سرمایه» "Units" جمع‌آوری می‌کنند.

دوم - سرمایه جمع‌آوری شده را در سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و یا اوراق بهاداری که دارای نقدینگی بسیار بالا هستند سرمایه‌گذاری می‌کنند.

سوم - با فراهم نمودن نقدینگی کافی، خود به خرید و فروش سهام یا «واحدهای سرمایه» "Units" خود مبادرت می‌کنند. در واقع سهام آنها بازار ثانویه ندارد، بلکه خود شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشاع همواره آماده هستند تا «واحدهای سرمایه» خود را خرید و فروش کنند. **چهارم -** امکانات لازم را در مورد خرید و فروش «واحدهای سرمایه» خود فراهم می‌آورند برای حصول به این منظور، هر روز یک نوبت یا بعضاً دو نوبت در روز، «قیمت» «واحدهای سرمایه» شرکت‌های مذکور براساس قیمت‌های بورس اوراق بهادار در مورد دارائی‌های مالی آنها، توسط خود این شرکت‌ها اعلام می‌شود، تا خرید و فروش «واحدهای سرمایه» بتواند براساس این قیمت‌ها انجام می‌شود.

پنجم - هزینه‌های مربوط به اداره شرکت را از محل کارمزدهائی که از فروش یا خرید «واحدهای سرمایه» خود دریافت می‌دارند تأمین می‌نمایند. برای تحقق این امر قیمت فروش را مرکب از قیمت روز «واحدهای سرمایه» به علاوه کارمزد فروش شرکت تعیین می‌کنند. در عین حال قیمت خرید «واحدهای سرمایه» را مرکب از قیمت روز این «واحدها» منهای کارمزد خرید شرکت اعلام می‌نمایند.

ششم - از تخصص‌های بسیار بالا و پیچیده برای سرمایه‌گذاری‌های خود استفاده می‌کنند. شاید این ویژگی یکی از عمده‌ترین ویژگی‌های اصلی باشد که شرکت‌های موصوف با داشتن آن، می‌توانند مطلوب‌ترین سهام و اوراق بهادار را برای نگهداری پرتفوی سرمایه‌گذاری خود خریداری نموده و با اداره مطلوب این پرتفوی بیشترین بازده و کمترین ریسک را برای سرمایه‌گذاری‌های خود فراهم آورند. طبعاً، وجود تخصص‌های مورد اشاره عامه مردم را تشویق به خرید «واحدهای سرمایه» شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشاع می‌کند. وجود این امور تخصصی امتیاز بزرگ این شرکت‌ها نسبت به سایر شرکت‌های سرمایه‌گذاری می‌باشد.

روش‌های خرید و فروش «سرمایه» در «مشارکت‌گردان»*

براساس آنچه تاکنون بیان گردید، این نتیجه حاصل می‌شود که کل «سرمایه» مشارکت می‌تواند بصورت «شناور» یا اصطلاحاً «گردان» باشد. در واقع، این ویژگی موجب می‌شود که هر زمان و عنداللزوم «سرمایه» مشارکت بتواند زیاد یا کم شود. به این نوع مشارکت، اصطلاحاً مشارکت با «سرمایه» نامحدود (Open End) گفته می‌شود. بدین ترتیب، هر میزان از «سرمایه» توسط یک یا چند شریک از شرکت برداشت شود یا در واقع به آن فروخته شود، کل سرمایه شرکت نیز متناسباً کاهش خواهد یافت. در صورتیکه برعکس رفتار شود، کل «سرمایه» مشارکت افزایش خواهد یافت. در عین حال یادآوری می‌شود که «سرمایه» هر یک از شرکاء یا در واقع «سهم سرمایه» آنها، از کل سرمایه مشارکت، نیز همانطوری که مشروحاً مورد بحث قرار گرفت، ماهیتاً می‌تواند «شناور» باشد.

تسهیل امر شناخت بیشتر مدل پیشنهادی و روش عمل آن ایجاب می‌کند که بدو نمونه عینی ساده‌ای از مشارکت با «سرمایه شناور» یا «مشارکت‌گردان» ارائه گردد. قطعاً این اقدام موجبات روشن‌تر شدن تحلیل‌های بعدی را نیز فراهم خواهد آورد.

فرض کنیم در مشارکتی که فیمابین دو شریک برای خرید و فروش یک کالا، مثلاً برنج منعقد می‌شود، جمعاً سرمایه‌ای معادل ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال مرکب از ۱۰۰۰ «واحد سرمایه» یک‌هزار ریالی برای خرید ۲۰۰ کیلو برنج از قرار هر کیلو ۵,۰۰۰ ریال، تأمین می‌گردد. در این مشارکت سهم هر یک از شرکاء بطور مساوی پانصد «واحد سرمایه» می‌باشد. پس از گذشت مدت معقولی، در اثر داد و ستد و انباشت سود حاصل از مشارکت، بتدریج موجودی برنج مشارکت اضافه شده و به ۴۰۰ کیلو می‌رسد. همانطوری که ذکر شد، قیمت «واحد سرمایه» در ابتدای مشارکت یک‌هزار ریال بود. لکن، در انتهای دوره قیمت «واحد سرمایه» قطعاً تغییر می‌کند. با فرض اینکه قیمت برنج، در انتهای دوره، هر کیلو ۵,۵۰۰ ریال باشد، ارزش یا قیمت هر «واحد سرمایه» در این مشارکت از تقسیم قیمت برنج یا خالص ارزش دارائی‌های مشارکت بر تعداد «واحد سرمایه» مشارکت در پایان دوره، برابر با ۲,۲۰۰ ریال، بشرح زیر بدست می‌آید:

$$۲,۲۰۰ = \frac{۴۰۰ \times ۵,۵۰۰}{۱,۰۰۰} = \frac{\text{قیمت روز برنج (خالص ارزش دارائی‌های مشارکت)}}{\text{تعداد «واحدهای سرمایه»}} = \text{قیمت «واحد سرمایه»}$$

روش‌های مختلفی برای فروش «واحد سرمایه» یا «سهم» یا «سهم‌الشرکه» در این مشارکت

* - «مشارکت‌گردان» اصطلاح جدیدی است که در این مقاله به مفهوم مشارکت با «سرمایه شناور» بکار گرفته شده است.

ساده وجود دارد که ذیلاً مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرد:

۱- شرکاء موجود تعدادی از «واحدهای سرمایه» یکدیگر را به قیمت ارزیابی شده ۲,۲۰۰ ریال یا با قیمت دیگری که بین خودشان به توافق می‌رسند، خرید و فروش می‌کنند. بدیهی است، این خرید و فروش میزان «واحدهای سرمایه» دو شریک را در اندازه خرید و فروش واحدهای مزبور تغییر می‌دهد یا در واقع «شناور» می‌کند. نتیجه آن کم شدن سرمایه یک شریک و اضافه شدن سرمایه شریک دیگر می‌باشد. لکن براساس این گونه معاملات، میزان کل سرمایه مشارکت تغییری نخواهد کرد.

۲- «واحدهای سرمایه» متعلق به شرکاء موجود، بین آنها و شرکاء جدید، با قیمت ارزیابی شده، یا قیمت دیگری که بین آنها توافق خواهد شد، خرید و فروش می‌شود. در این صورت، بازم کل سرمایه مشارکت ثابت مانده و «واحدهای سرمایه» بین شرکاء موجود و جدید تغییر می‌کند، یا به اصطلاح «شناور» می‌گردد.

۳- آخرین و مهمترین روش خرید و فروش «واحدهای سرمایه» اینست که این «واحدهای سرمایه» توسط «خود» شرکت خریداری یا فروخته می‌شود. در این صورت، شرکت ناگزیر است که قیمت «واحدهای سرمایه» را خود پرداخت کند که باید بنحوی از محل دارائی‌های آن (مثلاً تحویل دادن برنج یا فروش برنج) تأمین شود. طبعاً، بر این اساس، هم کل سرمایه مشارکت یا در واقع کل تعداد «واحدهای سرمایه» مشارکت و هم تعداد «واحدهای سرمایه» شریکی که سرمایه خود را معامله کرده است تغییر می‌کند.

به عبارت ساده‌تر، کل سرمایه مشارکت در اثر این قبیل معاملات مرتباً کم و یا زیاد و یا اصطلاحاً «شناور» یا «گردان» خواهد شد. به عنوان نمونه، میزان «واحدهای سرمایه» مشارکت موضوع مثال مورد بحث از ۱۰۰۰ واحد بیشتر یا کمتر و طبعاً به همان تناسب حجم دارائی‌ها و مالاً حجم کل فعالیت مشارکت نیز بیشتر یا کمتر خواهد شد.

در مشارکت‌های متداول در جوامع اسلامی، نظیر مثالی که بیان شد، همواره امکان افزایش یا کاهش «کل سرمایه» در جهت افزایش یا کاهش کل حجم فعالیت مشارکت وجود دارد، بدون اینکه تعارضی با موازین شرعی داشته باشد. به علاوه، در این قبیل مشارکت‌ها، بر خلاف مشارکت‌های موضوع شرکت‌های تجاری تابع قانون تجارت (سهامی عام، سهامی خاص، نسبی، تضامنی ۰۰۰۰)، نیازی به تشریفات اداری جهت ثبت «سرمایه» و خرید و فروش آن به طریق «خاص» وجود ندارد.

همین روش ساده موضوع مثال فوق، با موضوعات و اشکال دیگر، می‌تواند در نظام بانکی اسلامی نیز متداول شده و مشکل نقدینگی‌های فوری و اضطراری واحدهای اقتصادی را حل

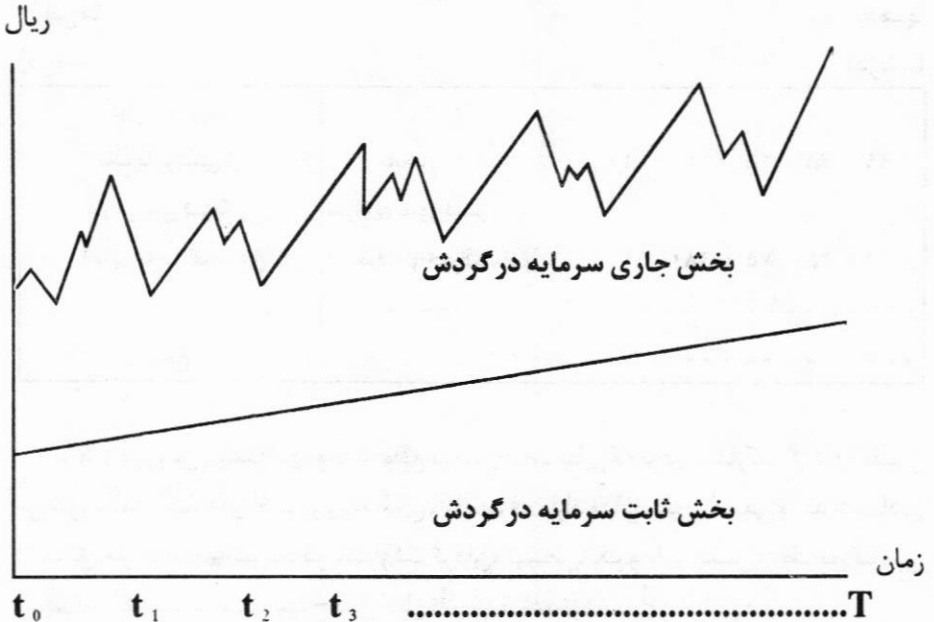
کند. البته، یادآوری می‌شود که موضوع مشارکت نیز می‌تواند به‌جای یک کالا، چند کالا، خدمات متعدد، دارائی‌های مالی و یا ترکیبی از مجموعه این عوامل باشد. لکن، در هر صورت، برای خرید و فروش «واحد سرمایه» در مقطع معامله باید ارزیابی دارائی‌های مشارکت صورت گرفته و قیمت «واحدهای سرمایه» محاسبه گردد. طبعاً، ارزیابی در این قبیل موارد برای برآورد قیمت «واحد سرمایه» پیچیده‌تر از مورد مثال ساده فوق می‌باشد. از لحاظ مقایسه، این روش عمل مشابه روش متداول در مؤسسات مالی واسطه مورد اشاره در فوق، یعنی Mutual Funds یا شرکت‌های «سرمایه‌گذاری مشاع» و شرکت‌های تعاونی در کشور ایران می‌باشد. در هر صورت، در هر دو این موارد، خرید و فروش «سرمایه» آنها توسط «خود» شرکت‌های مذکور صورت می‌گیرد. زیرا، سرمایه آنها بصورت سرمایه شناور یا نامحدود (Open End) بوده و روش قیمت‌گذاری «واحد سرمایه» آنها به‌همان ترتیبی است که نهایتاً قیمت «واحد سرمایه» از تقسیم خالص ارزش دارائی‌ها بر تعداد «واحدهای سرمایه» یا «تعداد سهام» در زمان انجام داد و ستد بدست می‌آید.

ارائه مدل «مشارکت گردان» برای حل مشکل اعتبار در حساب جاری

همانطوری که مشروحاً توضیح داده شد، در نظام بانکداری اسلامی نیز می‌توان کار مشابهی انجام داد و با بکارگیری مشارکت با سرمایه «شناور» نارسائی موضوع مقاله را برطرف کرد. برای اجرای این امر، ضرورت دارد بدو مشارکتی با سرمایه شناور، ترجیحاً تحت عنوان «مشارکت گردان» بین بانک و واحد اقتصادی بوجود آید.

اموال موضوع این مشارکت می‌تواند یک یا چند نوع از انواع مختلف دارائی‌های واحدهای اقتصادی، مثلاً، موجودی یا موجودی‌های مواد خاص، یا موجودی‌های انبار بطور عام، یا بطور کلی سرمایه در گردش به مفهوم وسیع‌تر کلمه باشد. نمودار ذیل نشان می‌دهد که سرمایه در گردش از انواع دارائی‌های مختلف تشکیل شده که بخشی از آن همواره در شکل ثابت و بخش دیگر در شکل جاری می‌باشد.

نمودار سرمایه در گردش در واحدهای اقتصادی



بطوری که از نمودار فوق ملاحظه می‌شود، بخش جاری سرمایه در گردش، بترتیب فوق، ایجاب می‌کند که راه حلی برای تأمین منابع لازم برای آن بخش طراحی شود. در جهت ارائه طریق برای این مطلب، همانطوری که ذکر شد، یکی از اجزاء سرمایه در گردش یا ترکیبی از آنها می‌تواند موضوع «مشارکت گردان» قرارگیرد. البته، بخش جاری سرمایه در گردش بکارگیری «مشارکت گردان» را بیشتر توجیه می‌کند.

در هر صورت، بر مبنای آنچه تاکنون تحلیل و تشریح شد، خرید و فروش «سرمایه» در «مشارکت گردان» بین بانک و واحد اقتصادی، تحت شرایط و ضوابطی که تعیین می‌شود، امکان‌پذیر خواهد بود. میزان «سهم سرمایه» واحد اقتصادی در مشارکت مورد اشاره با توافق طرفین قابل تعیین است. میزان سهم «سرمایه» بانک در «مشارکت گردان» بصورت «شناور»، در محدوده «سقف اعتباری» خواهد بود که بانک برای این منظور تعیین می‌کند. بدیهی است، در محدوده سقف اعتباری بانک، عنداللزوم به خرید و فروش «سرمایه» یا «واحد سرمایه» یا «سهم‌الشرکه»، «مشارکت گردان» مبادرت می‌کند. بدین ترتیب هم «کل سرمایه» مشارکت هم «سهم سرمایه بانک» و بالاخره هم «سهم سرمایه واحد اقتصادی» می‌تواند «شناور» باشد. ترانزنامه ذیل وضعیت مالی «مشارکت گردان» بین بانک و واحد اقتصادی فرضی را نشان می‌دهد:

ترازنامه مشارکت گردان

دارائی‌ها
(درصد)

بدهیها
(درصد)

انواع دارائی‌ها:	بانک	۱	۲	۲۵	۷۵	۹۹
یک یا ترکیبی از	سرمایه بطور نسبی					
دارائی‌های فیزیکی	(درصد) واحد اقتصادی	۹۹	۹۸	۷۵	۲۵	۱
یا مالی واحد اقتصادی						
جمع						

بر مبنای روش پیشنهادی و یا در واقع بر مبنای ضوابطی که برای «مشارکت گردان» تعیین می‌شود، تأمین نیازهای اضطراری مقطعی و یا مصرف مازاد منابع مالی مقطعی واحد اقتصادی از طریق خرید «سهام‌الشركه» در «مشارکت گردان» توسط بانک و یا بر عکس از طریق فروش «سهام‌الشركه» توسط بانک بشرح ذیل قابل تأمین خواهد بود. بر این اساس:

اول - هنگام پیدایش نیاز اضطراری مقطعی برای واحد اقتصادی، بانک بمیزان لازم از «سهام‌الشركه» یا «واحد سرمایه» از مشارکت گردان را خریداری می‌کند. در نتیجه این عمل دو اتفاق هم‌زمان رخ خواهد داد. (۱) - سهم‌الشركه بانک در «مشارکت گردان» افزایش می‌یابد. (۲) - موجودی واحد اقتصادی در حساب جاری افزایش یافته و نیاز اضطراری مقطعی وی تأمین می‌شود.

دوم - هنگام پیدایش مازاد منابع مالی مقطعی در حساب جاری واحد اقتصادی، عندالزوم، برعکس فوق عمل می‌شود. در این مورد نیز دو اتفاق هم‌زمان پیش خواهد آمد. (۱) - «سهام‌الشركه» بانک در «مشارکت گردان» کاهش می‌یابد. (۲) - متقابلاً، موجودی واحد اقتصادی در حساب جاری وی در حد منابع مازاد، کاهش یافته و مازاد منابع مالی مقطعی وی مصرف می‌شود.

البته یادآوری می‌شود که واحد اقتصادی، در مقاطع مختلف که عموماً کوتاه مدت و اضطراری هستند، می‌تواند هم کسری منابع مالی و هم مازاد منابع مالی داشته باشد. در نتیجه، صرف‌نظر از اینکه مازاد منابع واحد اقتصادی، بر پایه این روش، می‌تواند برای واریز بدهی‌های اضطراری آن مصرف شود، در عین حال، در صورت مازاد منابع بیشتر، می‌تواند به شکل

سرمایه گذاری موقت در «مشارکت گردان» بکار گرفته شده و واحد اقتصادی از سود حاصله در این فاصله استفاده نماید* هر چند، مورد اخیر ممکن است کمتر پیش آمد کند، مع الوصف، بدلیل وجود «مشارکت گردان» واحد اقتصادی می تواند با اطمینان خاطر از امکان مزبور، ذخیره نقدی خود را برای مصارف و نیازهای فوری اضطراری در حداقل ممکن، شاید هم در حد صفر نگهداری نماید. طبعاً این اقدام می تواند هم موجبات صرفه جویی فراوان در نگهداری منابع مالی برای واحدهای اقتصادی را بصورت ذخیره نقدی فراهم آورد و هم سودآوری واحدهای مزبور را افزایش دهد.

با توجه به مراتب فوق، تحقق دو شرط عمده برای استفاده از ابزار «سرمایه شناور» یا در واقع بکارگیری «مشارکت گردان» ضرورت دارد.

شرط لازم: مشارکت بین بانک و واحد اقتصادی بوجود آید.

شرط کافی: خرید و فروش «واحد سرمایه» یا «سهام» یا در واقع «سهام شرکت» «مشارکت گردان» جزا یا «کلاً» در چارچوب ضوابط و مقرراتی که تعیین می شود، بصورت موردی یا بصورت مکرر، مجاز شناخته شود.

در جهت تسهیل امور مورد اشاره، امکانات کاربردی لازم، باید براساس قرارداد مربوط برای واحد اقتصادی فراهم گردد. امکانات مزبور اصولاً و بطور کلی باید حاوی ضوابط و مقررات تعیین شده توسط مقام سیاستگذار پولی برای روش جدید به ویژه نکات ذیل باشد:

الف - اجازه برداشت از حساب جاری.

ب - اجازه واریز به حساب جاری.

ج - روش قیمت گذاری سهم شرکت یا «واحد سرمایه».

مبانی مختلفی برای برآورد و تعیین قیمت وجود دارد.

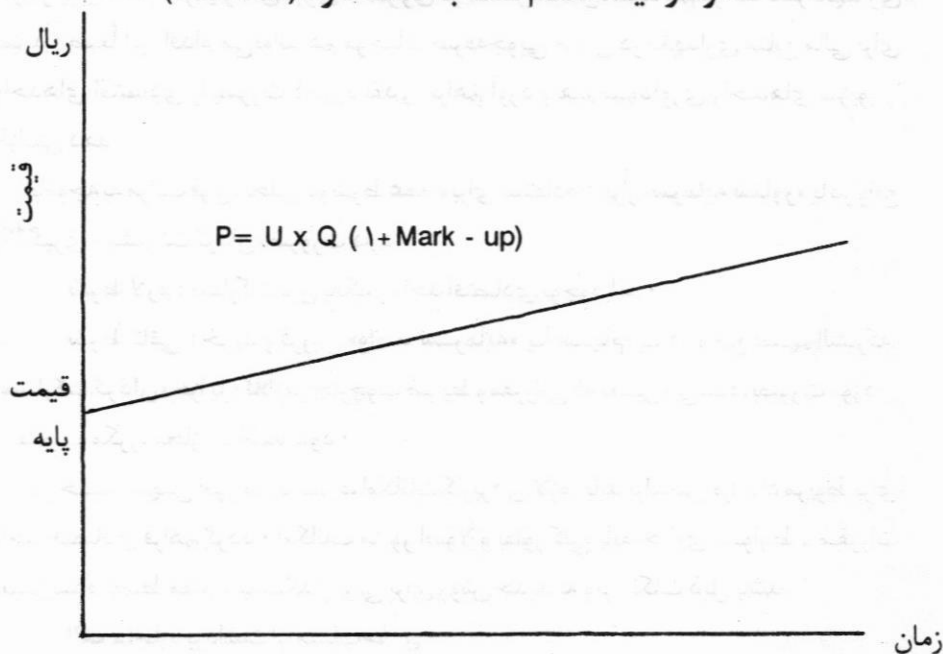
بدعنوان مثال می توان از قیمت بازار - قیمت توافقی - قیمت ارزیابی - قیمت جایگزینی و بالاخره قیمت تمام شده به اضافه سود (Cost Plus) نام برد. بدیهی است، پس از برآورد تعیین قیمت براساس یکی از مبانی مذکور سود بانک نیز مشخص می گردد.

ساده ترین و عملی ترین روش های برآورد قیمت و به تبع آن، برآورد میزان سود بانک،

* - روش عمل در مورد مصرف منابع مازاد اضطراری از طریق «مشارکت گردان» اندکی متفاوت از روش تأمین کسری منابع اضطراری می باشد. در اینصورت، می توان با افزایش سقف اعتباری بانک در حد نیازهای عادی و «متعارف» و تلفیق دو اعتبار «عادی» و «غیرعادی» برای تأمین هر دو نیاز «متعارف» و «غیرمتعارف» امکان مصرف مازاد منابع را فراهم آورد. این روش امتیازات زیادی دارد که در آینده می تواند بسیاری از ناراستی های دیگر را نیز حل کند.

- می تواند بر مبنای قیمت تمام شده به اضافه سود (Cost Plus) باشد.
- نمودار این روش در صفحه بعد نشان داده شده است.

نمودار قیمت تمام شده به اضافه سود (Cost Plus)



در این روش، فرض شده است که مورد مشارکت (نظیر سود اوراق مشارکت) بطور تقریبی متناسب با گذشت زمان تحقق یابد. بر مبنای این فرض، مدل پیشنهادی، بر آورد قیمت فروش و به تبع آن بر آورد و محاسبه میزان سود تقریبی را امکان پذیر می سازد.

$$P = U \times Q (1 + \text{Mark} - \text{up})$$

در این مدل P مؤید قیمت کل فروش، U مؤید مبلغ واحد سرمایه « Q مؤید تعداد» واحد سرمایه «یا تعداد سهام» موضوع خرید و فروش و بالاخره $\text{Mark} - \text{up}$ مؤید نرخ سودی است که بین بانک و واحد اقتصادی تحت شرایط و مقررات مصوب توسط مقام سیاستگذاری پولی، توافق خواهد شد. در عین حال، پارامتر t نشان دهنده مدت می باشد. در نهایت «قیمت پایه» می تواند معادل مبلغ «واحد سرمایه» و یا غیر از آن باشد. این مطلب به زمان خرید و فروش حسب اینکه ابتدای دوره «مشارکت گردان» یا بعد از آن باشد، مربوط می شود.

به پایان آمد این دفتر، حکایت همچنان باقیست • در خاتمه کلام، نویسندگان چند سخن دارند • سخن اول این است که معمولاً هر اندیشه نو، در ابتدای کار با مشکلات و نارسایی زیادی روبرو می‌شود • اندیشه بکارگیری «سرمایه شناور» نیز که برای اولین مرتبه در بانکداری اسلامی مطرح می‌شود از این قاعده برکنار نیست • از این رو، اطمینان کامل داریم که محققین و اندیشمندان بانکداری اسلامی، با جدیت و سعی وافر در برطرف کردن این نارسائی‌ها و مشکلات اهتمام خواهند ورزید • به علاوه، ادامه این تحقیقات مقدماتی، در صورت تکمیل می‌تواند در برطرف کردن مشکلات و نارسایی‌های عنوان شده، سهم بیشتری داشته باشد • سخن دوم و مهمتر از سخن اول این است که هر اندیشه جدید از دیدگاه تفکر و نظر تا از دیدگاه عمل و اجرا تفاوت بسیار دارد • محققاً بکارگیری این اندیشه نو نیز، اولاً بدلیل تازگی و ناپخته بودن آن و ثانیاً بدلیل داشتن ویژگی‌های متعدد و لازم، نیاز مبرم به دستورالعمل و ضوابط اجرایی خاص دارد که باید توسط متخصصین اهل فن طراحی و تدوین و توسط مقامات ذیصلاح تصویب شود تا اندیشه مذکور بتواند از قوه به فعل در آید •

سخن دیگر، درخصوص ناباوری برخی در زمینه به فعل در آوردن این اندیشه است • ناباوری مورد اشاره از دیدگاه علم روان‌شناسی نیز تأیید شده است • بر این مبنای، اصولاً هر ناباوری از مقاومت در مقابل تغییر نشأت می‌گیرد یا برعکس، هر مقاومت در مقابل تغییرات نو از ناباوری سرچشمه می‌گیرد • در این مورد باید اذعان داشت که بطور کلی و علی‌رغم همه این ناباوری‌ها در زمینه عدم امکان به کارگیری، این اندیشه نوین می‌تواند بانکداری اسلامی را پا به پای بانکداری سنتی در جهان مترقی امروز به پیش ببرد و بسیاری از نقایص، نارسائی‌ها، ناباوری‌ها را برطرف کند • مع‌الوصف، باید قبول کرد که همانطور که بانکداری اسلامی از لحاظ اجرا در بدو امر در بسیاری از موارد با تردید و ناباوری شروع شد ولی نهایتاً همه موارد مذکور به موفقیت چشم‌گیر رسید، «سرمایه شناور» نیز در صورت بکارگیری، از موفقیتی کمتر از موفقیت‌های دیگر روبرو نخواهد شد •

سخن آخر نویسندگان درخواست از اهل علم، متخصصین فن، صاحب‌نظران اقتصادی و دانش پژوهان دانش بانکداری اسلامی این است که مطالب مطرح شده در مقاله را با دید انتقادی و سازنده مورد تحلیل و امعان نظر قرار داده و ضمن تکمیل تحقیقات نویسندگان و ارائه پیشنهادات اصلاحی در جهت بهبود مطالب آن، اینجانبان را نیز از بذل مساعدت علمی خود بی‌نصیب نگذارند •